



The Qur’an’s Communicative Strategies for Different Audiences: A Pragmatic Analysis of Speech Acts in Surah Al-Baqarah Based on John Searle’s Theory

Hossein Rahmani^{a*}

^a Associate Professor, Department of Linguistics, Faculty of Humanities and Foreign Languages,
Payame Noor University, Tehran, Iran

KEYWORDS

Surah Al-Baqarah,
speech act analysis,
John Searle,
pragmatics, Qur’anic
communication
strategy

Received: 12 June 2026;
Accepted: 10 October 2026

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/paq.2026.2091386.4153

ABSTRACT

Speech act theory, introduced by J. L. Austin and subsequently developed by John Searle (1969), is an influential theoretical framework in pragmatics. It offers a perspective in which linguistic utterances are understood not merely as vehicles for conveying information or describing the external world, but also as actions that can transform, construct, and reproduce social relations. Drawing on this framework and employing directed qualitative content analysis, this study examines the communicative strategies used in the Qur’an’s Surah Al-Baqarah. It addresses the following research question: What distinct communicative strategies does the Qur’anic text employ in addressing four principal groups of addressees—believers, disbelievers, hypocrites, and the Children of Israel? The findings, informed by the rhetorical and pragmatic interpretations of prominent exegetes, including Zamakhshari in *Al-Kashshaf* and Ibn Ashur in *Al-Tahrir wa Al-Tanwir*, indicate that Surah Al-Baqarah employs all five of Searle’s categories of speech acts—assertives, directives, commissives, expressives, and declarations—through both direct and indirect forms. The analysis further suggests that the communicative strategies vary according to the characteristics attributed to each audience group. Believers are addressed through persuasive and reassuring speech acts; disbelievers through firm, refutational forms of address; hypocrites through metaphorical exposure and layered indirect parables; and the Children of Israel through a dialectical combination of reminders, reproaches, and renewed invitations. These findings highlight the diversity of speech-act patterns in the surah and their relationship to the rhetorical and communicative functions of its discourse.

* Corresponding author.

E-mail address: hosein_rahmani@pnu.ac.ir





راهبرد ارتباطی قرآن در مواجهه با گروه‌های مختلف مخاطبان: تحلیل کاربردشناختی کنش‌های گفتاری در سوره بقره بر اساس نظریه جان سرل

حسین رحمانی^{الف}*

الف دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، hosein_rahmani@pnu.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
سوره بقره، تحلیل کنش گفتاری، جان سرل، کاربردشناسی، راهبرد ارتباطی قرآن	نظریه کنش گفتاری که نخستین بار آستین (۱۹۷۵) آن را طرح کرد و متعاقباً بوسیله جان سرل (۱۹۶۹) نظام‌مند و قاعده‌مند شد، از کارآمدترین ابزارهای حوزه کاربردشناسی زبان است. این نظریه افق جدیدی را می‌گشاید که در آن، گزاره‌های زبانی صرفاً حاملان منفعل اطلاعات و توصیف‌گر جهان بیرونی به شمار نمی‌روند، بلکه در حقیقت افعالی عینی و کنش‌هایی زنده هستند که در جهان واقعی دست به تغییر، ساخت و بازتولید مناسبات می‌زنند. این پژوهش با ابتنا بر این چارچوب نظری و روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار، به واکاوی راهبردهای ارتباطی قرآن کریم در سوره مبارکه بقره می‌پردازد. پرسش بنیادین تحقیق این است که متن وحی به مثابه یک کنش ارتباطی الهی و چندصدایی، چه نوع راهبردهای گفتاری و متمایزی را در مواجهه با چهار جبهه و گروه اصلی مخاطبان یعنی مؤمنان، کافران، منافقان و بنی‌اسرائیل تمهید کرده است. یافته‌های تفصیلی پژوهش که با تکیه بر آرا و دلالت‌های بلاغی-کاربردشناختی مفسران برجسته‌ای چون زمخشری در کشف و ابن عاشور در التحرير و التنوير استخراج شده‌اند، نشان می‌دهند که سوره بقره شبکه مترابندی از کنش‌های گفتاری پنج‌گانه سرل (اظهاری، دستوری، تعهدی، عاطفی و اعلامی) را به صورت مستقیم و غیرمستقیم به کار بسته است. راهبرد وحی در این سوره، مهندسی نظام‌مندی است که کاملاً بر ساختار روانی، بافتار جامعه‌شناختی و جهان‌بینی معرفتی هر گروه انطباق دارد؛ به گونه‌ای که مؤمنان با کنش‌های ترغیبی و اطمینان‌بخش، کافران با کنش‌های قاطع و سلب‌کننده اعلامی، منافقان با افشاگری‌های استعاره‌ای و تمثیل‌های چندلایه غیرمستقیم، و بنی‌اسرائیل با الگوی دیالکتیکی و ترکیبی یادآوری، سرزنش و دعوت مجدد خطاب قرار گرفته‌اند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۱۸

مقاله علمی پژوهشی

۱. مقدمه

قرآن کریم به عنوان متن مرکزی، مکتب‌ساز و بنیادین جهان اسلام، همواره کانون تلاقی مطالعات گوناگون متفکران و پژوهشگران بوده است. این کتاب مقدس نه تنها منبع اصلی دین اسلام در زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی، عبادی و حقوقی به شمار می‌رود، بلکه به عنوان یک متن زنده و پویا، در طول تاریخ همواره محرک مفسران و اندیشمندان برای کشف ساختارهای معنایی خود به شمار می‌رود (اسپوزیتو، ۱۹۹۸: ۳-۴). فهم عمیق و دقیق قرآن نیازمند بهره‌گیری

^۱ J. L. Esposito

از ابزارها و روش‌های متنوعی است که بتواند لایه‌های پنهان معنایی آن را آشکار سازد؛ چه بسا فهم همه‌جانبه کلام وحی، مستلزم عبور از لایه‌های ظاهری متن و دستیابی به ژرف‌ساخت آن است که ارتباطی وثیق با نحوه هدایت‌گری و ابلاغ پیام دارد.

رویکردهای سنتی تفسیر قرآن عمدتاً بر سه محور اساسی استوار بوده‌اند: نخست، روش «تفسیر قرآن به قرآن» که با اتکا به سازوکارهای بینامتنی، ابهامات یک آیه را به وسیله محکمت آیات دیگر برطرف می‌سازد. دوم، رویکرد «اسباب نزول» که روشی زمینه‌گرا و سیاق‌محور است و می‌کوشد شرایط تاریخی، مکانی و شأن نزول پاره‌گفتارها را مبنای تبیین مراد جدی متکلم قرار دهد. سوم، رویکرد تحلیل ساختار ادبی و نحوی که مفسر در آن با تکیه بر علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع)، خصوصیات سبکی و زیبایی‌شناختی کلام را استخراج می‌کند (احمد، ۲۰۱۶: ۱۴۵-۱۶۸). هر یک از این رویکردها سهم بسزایی در فهم قرآن داشته‌اند، اما پرسشی که همچنان مطرح است این است که آیا می‌توان از رهیافت‌های نوین زبان‌شناسی برای کشف ابعاد تازه‌ای از معنای قرآن بهره گرفت.

در دهه‌های اخیر، بهره‌گیری از دستاوردهای زبان‌شناسی نوین، به‌ویژه شاخه کاربرشناسی، افق‌های تازه‌ای را در فهم متون دینی به طور عام و قرآن به طور خاص گشوده است. کاربرشناسی به مطالعه معنا در بافت و موقعیت‌های ارتباطی می‌پردازد و به جای تمرکز صرف بر معنای لغوی جملات، به این پرسش کلیدی پاسخ می‌دهد که «گوینده یا مؤلف با بیان این جمله، در بافتار مشخص موقعیتی، دست به چه کنشی می‌زند و چه تغییری در جهان مخاطب ایجاد می‌کند؟» (یول، ۲، ۱۹۹۶: ۳-۴). در این میان، نظریه کنش گفتاری یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ابزارهای کاربرشناسی است که نخستین بار از سوی آستین^۲ در مجموعه سخنرانی‌های وی با عنوان «چگونه با کلمات کار انجام دهیم» (۱۹۷۵) طرح و پی‌ریزی شد. آستین با این نظریه انقلابی در فلسفه زبان ایجاد کرد و نشان داد که وظیفه زبان صرفاً توصیف جهان یا گزارشگری پدیده‌ها نیست؛ بلکه بسیاری از جملات، خود یک عمل و فعل عینی به شمار می‌روند که وی آن‌ها را گزاره‌های اجرایی نامید. برای نمونه، هنگامی که پدری می‌گوید «دخترم را هلیا نام‌گذاری می‌کنم»، این جمله صرفاً یک خبر یا توصیف نیست، بلکه خود عمل نام‌گذاری را انجام می‌دهد. یا وقتی شخصی می‌گوید «قول می‌دهم فردا بیایم»، این پاره‌گفت، نه توصیف یک وعده، بلکه خود عمل تعهد است. آستین این نوع جملات را «گزاره‌های اجرایی» نامید؛ زیرا با بیان آن‌ها، واقعیتی در جهان تحقق می‌یابد.

اومیان سه سطح کنش گفتاری تمایز قائل شد: کنش گفتاری (تولید نشانه‌های زبانی معنادار)، کنش منظورشناختی (نیت و نیروی اجرایی متکلم)، و کنش تأثیرشناختی (پیامدهای روانی و رفتاری سخن بر مخاطب) (آستین، ۱۹۷۵: ۹۴-۱۰۸). برای روشن شدن این تمایز، جمله «هوا سرد است» را در نظر بگیرید. در سطح کنش گفتاری، گوینده صرفاً نشانه‌های زبانی معناداری تولید کرده است. در سطح کنش منظورشناختی، نیت او ممکن است درخواست غیرمستقیم برای بستن پنجره باشد. و در سطح کنش تأثیرشناختی، اگر مخاطب پنجره را ببندد، آن کنش تأثیرشناختی محقق شده است. در قرآن کریم، آیه «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳) در سطح گفتاری یک جمله خبری است؛ در سطح منظورشناختی، کنش تعهدی همراهی خداوند با صابران و در سطح تأثیرشناختی، ایجاد آرامش و افزایش تاب‌آوری در

² G. Yule

³ J. L. Austin

⁴ *How to Do Things with Words*

مؤمنان است.

پس از آستین، شاگرد و همکارش، جان سرل^۵، نظریه استاد خود را نظام‌مند و قاعده‌مند کرد و آن را به یکی از پرکاربردترین نظریه‌ها در تحلیل زبان تبدیل نمود. سرل (۱۹۶۹، ۱۹۷۵، ۱۹۷۹) با ارائه طبقه‌بندی پنج‌گانه‌ای از کنش‌های گفتاری (اظهاری^۶، دستوری^۷، تعهدی^۸، عاطفی^۹ و اعلامی^{۱۰}) و نیز طرح مفهوم کنش‌های گفتاری غیرمستقیم^{۱۱}، چارچوبی تحلیلی و عملیاتی برای بررسی متون مختلف فراهم آورد. برای درک ملموس این طبقه‌بندی، می‌توان از مثال‌های قرآنی بهره گرفت:

- کنش اظهاری: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (بقره: ۲۵۵)، گزارشی از حقیقت توحید.
 - کنش دستوری: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (بقره: ۴۳)، فرمان به برپایی نماز.
 - کنش تعهدی: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳)، تعهد الهی به همراهی با صابران.
 - کنش عاطفی: «بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ» (بقره: ۹۰)، ابراز کراهت و سرزنش.
- کنش اعلامی: «حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» (بقره: ۷)، اعلام محرومیت از هدایت که خود واقعیتی جدید می‌آفریند.
- طبقه‌بندی سرل بر اساس سه مؤلفه اصلی یعنی هدف غیربیانی یا هدف اصلی کنش، جهت تطابق (که نشان می‌دهد آیا سخن باید با جهان تطبیق یابد یا جهان با سخن)، و شرط صداقت (که بیانگر حالت روانی گوینده هنگام بیان سخن است) استوار است (سرل، ۱۹۷۵: ۳۴۴-۳۶۹). این چارچوب نظری به سرعت از فلسفه زبان به حوزه هرمنوتیک متون مقدس راه یافت. پژوهشگرانی نظیر هیوستون^{۱۲} (۱۹۹۳) و گیتای^{۱۳} (۱۹۸۳) کارآمدی آن را در تبیین گفتار نبوی عهد عتیق اثبات کردند و نشان دادند که زبان پیامبران اساساً کنشی و اجرایی است و تحلیل صرفاً لغوی و جدا از بافت می‌تواند به برداشت‌های نادرست از نیت گوینده و نحوه دریافت مخاطبان منجر شود.

با توجه به این افق نظری، انتخاب سوره مبارکه بقره برای پژوهش حاضر مبتنی بر دلایل راهبردی و ساختاری چندگانه است. نخست، این سوره به عنوان طولانی‌ترین سوره قرآن (۲۸۶ آیه)، جامع‌ترین و متنوع‌ترین شبکه خطاب‌های زبانی را داراست و نمونه‌های متنوعی از خطاب به گروه‌های مختلف را در خود جای داده است. دوم، سوره بقره یک سوره مدنی است؛ بدین معنا که در دوران تشکیل حکومت اسلامی و مواجهه با یک ساختار اجتماعی چندصدایی و پیچیده نازل شده است؛ دوره‌ای که جامعه اسلامی با تنوع و پیچیدگی بیشتری (مؤمنان، کافران، منافقان و اهل کتاب) مواجه بود و خطاب به این گروه‌ها ضرورتی مضاعف یافته بود. سوم، آیات ابتدایی این سوره (آیات ۱ تا ۲۰) به عنوان یک ماتریس فشرده، هر سه گروه مؤمنان، کافران و منافقان را در کنار هم توصیف و مدیریت ارتباطی می‌کند و فرصتی استثنایی برای تحلیل تطبیقی فراهم می‌آورد. چهارم، این سوره شامل طولانی‌ترین، عمیق‌ترین و نفس‌گیرترین خطاب قرآنی به اهل

⁵ J. Searle

⁶ assertives

⁷ directives

⁸ commissives

⁹ expressives

¹⁰ declaratives

¹¹ indirect speech acts

¹² W. Houston

¹³ J. Gitay

کتاب و به ویژه قوم بنی اسرائیل (آیات ۴۰ تا ۱۲۳) است که تلاقی شگفت‌انگیزی از راهبردهای گوناگون زبانی را به نمایش می‌گذارد.

مسئله اصلی پژوهش حاضر، بازخوانی نظام‌مند سوره بقره به منظور کشف مهندسی ارتباطی قرآن و پاسخ به پرسش‌ها است: ۱- قرآن کریم در سوره بقره برای ارتباط با هر یک از گروه‌های مؤمنان، کافران، منافقان و بنی‌اسرائیل از چه نوع کنش‌های گفتاری (بر اساس طبقه‌بندی پنج‌گانه سرل) بهره برده است؟ ۲- نسبت کنش‌های مستقیم و غیرمستقیم در خطاب به هر گروه چگونه است و چه دلالت‌های ارتباطی دارد؟ ۳- راهبرد ارتباطی واحد قرآن در مواجهه با این چهار گروه چیست و چه الگوی منسجمی از این تنوع قابل استخراج است؟ و ۴- چگونه تفاسیر کلاسیک (به ویژه کشاف زمخشری و التنبیر ابن عاشور) می‌توانند به عنوان کدهای کهن، ما را در تعیین دقیق‌تر «نیروی منظورشناختی» آیات یاری رسانند؟

پاسخ به این پرسش‌ها نه تنها به فهم عمیق‌تر سوره بقره کمک می‌کند، بلکه می‌تواند الگویی برای تحلیل سایر سوره‌های قرآن با رویکرد کاربردشناختی ارائه دهد. اهمیت و نوآوری پژوهش حاضر در سه سطح قابل تعریف است: در سطح تحلیل تطبیقی، بررسی هم‌زمان و مقایسه‌ای چهار گروه مخاطب در یک سوره واحد است که در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است. در سطح روش‌شناختی، تلفیق نظریه کنش گفتاری با دو تفسیر کلاسیک برجسته (کشاف و التنبیر) برای تعیین دقیق نیروی منظورشناختی آیات قرار دارد. در سطح نظری، ارائه الگوی چهارگانه راهبردهای ارتباطی است که نشان می‌دهد قرآن نه فقط محتوای متفاوت، بلکه «قالب کنشی متفاوت» را برای هر گروه به کار می‌گیرد. این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن به عنوان یک متن زنده و پویا، صرفاً به بیان عقاید و احکام نمی‌پردازد، بلکه با بهره‌گیری از طیف وسیعی از کنش‌های گفتاری و با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و نیازهای مخاطبان مختلف، راهبرد ارتباطی منسجم و هدفمندی را دنبال می‌کند. یافته‌های این تحقیق می‌تواند برای مفسران، مترجمان قرآن، و نیز پژوهشگران حوزه ارتباطات و زبان‌شناسی سودمند باشد.

۲. پیشینه

تحلیل کنش گفتاری در قرآن کریم در دو دهه اخیر توجه پژوهشگران بسیاری را به خود جلب کرده و این حوزه مطالعاتی با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو بوده است. پژوهش‌های انجام‌شده را می‌توان در چند دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: مطالعات متمرکز بر کنش‌های گفتاری در سوره‌های خاص، مطالعات تطبیقی میان سوره‌ها، پژوهش‌های ترجمه‌محور، و مطالعاتی که به بررسی آرای مفسران کلاسیک از منظر کاربردشناسی یا تحلیل موضوعی و بینارشته‌ای پرداخته‌اند. بررسی سیر تحول این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این مطالعات عمدتاً در قالب‌های تک‌ساحتی یا توصیفی محدود مانده‌اند.

در حوزه مطالعات اختصاصی سوره بقره، توبی^{۱۴} (۲۰۲۳) با بهره‌گیری از نظریه آستین و سرل نشان داد که ساختارهای زبانی واحد، به‌ویژه افعال امری، می‌توانند واجد کارکردهای گفتاری مستقیم و غیرمستقیم متعددی باشند. با وجود این، پژوهش یادشده صرفاً بر کنش‌های دستوری متمرکز بود و تفاوت الگوهای کنش گفتاری در خطاب به گروه‌های گوناگون مخاطبان (مؤمنان، کافران، منافقان و اهل کتاب) را بررسی نکرد. همچنین محمدخان^{۱۵} (۲۰۲۴) با

¹⁴ S. Tobbi

¹⁵ M. Muhammadkhan

تمرکز بر ساختارهای نحوی آیات سوره بقره، به تحلیل ویژگی‌های دستوری متن پرداخته، اما ابعاد کاربردشناختی و کارکردهای ارتباطی آیات را مورد توجه قرار نداده است.

در میان مطالعات انجام‌شده درباره سایر سوره‌های قرآن، اقدایی^{۱۶} و خاکپور^{۱۷} (۲۰۱۸) در بررسی سوره لقمان نشان دادند که کنش‌های اظهاری و دستوری بیشترین فراوانی را دارند. با این حال، به دلیل حجم کوتاه این سوره و بستر مکی آن، و نیز تنوع محدود مخاطبان، یافته‌های این پژوهش قابلیت تعمیم به سوره‌های بلند مدنی و چندصدایی مانند بقره را ندارد. کاسمانی^{۱۸} و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای بر احادیث نبوی نشان دادند که پیامبر اکرم (ص) در ارتباط با نومسلم‌انان بادیه‌نشین که از حیث ذهنی با مفاهیم انتزاعی آشنایی چندانی نداشتند، عمدتاً از کنش‌های گفتاری غیرمستقیم، مانند تمثیل، تشبیه و پرسش، بهره می‌گرفت و کمتر از کنش‌های تعهدی استفاده می‌کرد. بدر^{۱۹} و همکاران (۲۰۱۹) در تحلیل سوره‌های کوتاه ضحی و انشراح تنها دو نوع کنش دستوری و تعهدی را شناسایی کردند؛ اما کوتاهی این سوره‌ها (هر یک کمتر از ده آیه) و تمرکز خطاب آن‌ها بر شخص پیامبر (ص)، قابلیت تعمیم نتایج را به شدت محدود می‌سازد. همچنین عباسی و همکاران (۲۰۲۴) با تلفیق نظریه کنش گفتاری سرل و نظریه عواطف پلاتچیک، فراوانی بیشتر کنش‌های دستوری (۱۶۶ مورد) و کمترین میزان کنش‌های تعهدی (۱۶ مورد) را در اجزای ۲۶ تا ۲۸ قرآن گزارش کردند. اشکال اساسی کار آنان، تقطیع متن بر اساس جزءبندی‌های صوری و فاقد انسجام سوره‌شناختی بود، ضمن آنکه گروه‌های مختلف مخاطبان را تفکیک نکرده بودند.

بخش دیگری از پژوهش‌ها به مسئله ترجمه کنش‌های گفتاری قرآن اختصاص یافته است. مروانی^{۲۰} (۲۰۲۰) و پژوهش دانشگاه قسنطینه (۲۰۲۱) با بررسی ترجمه سوره بقره به زبان فرانسه نشان داده‌اند که انتقال دقیق نیروی منظورشناختی کنش‌های گفتاری نقش تعیین‌کننده‌ای در فهم پیام قرآنی دارد و بی‌توجهی به این جنبه می‌تواند به ترجمه‌های تحت‌اللفظی و کم‌دقت منجر شود. این مطالعات اثبات کرده‌اند که ترجمه‌های تحت‌اللفظی، نیروی منظورشناختی آیات را نابود می‌کنند و مترجم باید به سراغ ترجمه پویا و کاربردی برود. با این حال، تمرکز اصلی این مطالعات بر مسائل ترجمه بوده و تحلیل راهبردهای ارتباطی قرآن در مواجهه با مخاطبان مختلف را دربر نمی‌گیرد. در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای و موضوعی نیز خزاعله^{۲۱} و همکاران (۲۰۲۵) کنش اطمینان‌بخشی را به‌عنوان یکی از گونه‌های کنش تعهدی در مجموعه‌ای از آیات منتخب بررسی کرده‌اند و به نقش اشکال مستقیم و غیرمستقیم این کنش در انتقال پیام قرآنی پرداخته‌اند.

مرور نظام‌مند و انتقادی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که با وجود ارزش‌های فراوان، اغلب آن‌ها با کاستی‌های روش‌شناختی مواجه‌اند؛ تمرکز بر یک نوع کنش خاص و غفلت از تعامل و تلفیق کنش‌ها (مانند توبی، ۲۰۲۳)، عدم تفکیک گروه‌های مخاطب و تحلیل یکپارچه بدون توجه به تنوع مخاطبان (مانند عباسی و همکاران، ۲۰۲۴)، انتخاب

^{۱۶} F. Aghdai

^{۱۷} H. Khakpour

^{۱۸} M. F. Kasmani

^{۱۹} H. H. Badr

^{۲۰} N. Merouani

^{۲۱} A. Khazaleh

سوره‌های کوتاه و فاقد تنوع مخاطبی و موضوعی که قابلیت تعمیم به سوره‌های بلند مدنی را ندارند (مانند بدر و همکاران، ۲۰۱۹)، و غفلت از ظرفیت تفاسیر کلاسیک در تشخیص دقیق نیروی منظورشناختی (مانند مروانی، ۲۰۲۰). به عبارت دیگر، بیشتر پژوهش‌ها یا بر یک نوع خاص از کنش گفتاری تمرکز داشته‌اند، یا به تحلیل بخشی محدود از متن قرآن پرداخته‌اند و کمتر به مقایسه الگوهای ارتباطی قرآن در مواجهه با گروه‌های مختلف مخاطبان توجه کرده‌اند.

از این رو، خلأ اصلی موجود در ادبیات پژوهش، فقدان مطالعه‌ای جامع، ساختاریافته و مقایسه‌ای درباره توزیع و کارکرد انواع کنش‌های گفتاری در خطاب به گروه‌های گوناگون مخاطبان در یک سوره محوری قرآن است. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این نقاط ضعف، درصدد است تا تحلیلی جامع و مقایسه‌ای از کنش‌های گفتاری سوره بقره در مواجهه با چهار گروه اصلی مخاطبان (مؤمنان، کافران، منافقان و اهل کتاب) ارائه دهد. انتخاب سوره بقره، بهره‌گیری از طبقه‌بندی کامل پنج‌گانه سرل، توجه هم‌زمان به تمایز کنش‌های مستقیم و غیرمستقیم، بهره‌مندی از دو تفسیر برجسته کلاسیک (کشاف زمخشری و التحریر و التنویر ابن عاشور)، و تحلیل تطبیقی راهبرد ارتباطی با چهار گروه مخاطب، مهم‌ترین وجوه تمایز و نوآوری این پژوهش نسبت به مطالعات پیشین را تشکیل می‌دهد.

۳. روش پژوهش و بنیان نظری

۱.۳. بنیان نظری: نظریه کنش گفتاری

نظریه کنش گفتاری ریشه در تحولات فلسفه زبان در قرن بیستم دارد. تا پیش از طرح این نظریه، دیدگاه غالب اثبات‌گرایانه^{۲۲} بر این باور بود که گزاره‌ها تنها زمانی معنادارند که قابل صدق و کذب باشند؛ دیدگاهی که در آثار ویتگنشتاین^{۲۳} اولیه (۱۹۲۲) در رساله منطقی - فلسفی تجلی یافت. اما ویتگنشتاین در پژوهش‌های فلسفی بعدی خود، مفهوم بازی‌های زبانی را مطرح کرد و نشان داد که معنا در بستر کاربرد و فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد (ویتگنشتاین، ۱۹۵۳: ۴۳). این رویکرد، زمینه را برای نظریه‌های توجه‌کننده به کنش‌های زبانی فراهم آورد.

جان لنگشاو آستین را می‌توان بنیانگذار اصلی نظریه کنش گفتاری دانست. او در سخنرانی‌هایش در دانشگاه هاروارد (۱۹۵۵) که بعدها با عنوان «چگونه با کلمات کار انجام دهیم» منتشر شد، با نقد دیدگاه اثبات‌گرایانه نشان داد که بسیاری از گزاره‌ها نه توصیف‌گر جهان‌اند و نه قابل ارزیابی به صدق و کذب؛ او این گزاره‌ها را «گزاره‌های اجرایی» نامید (آستین، ۱۹۷۵: ۱۱-۱). آستین با مثال‌هایی مانند «این کشتی را به نام الیزابت می‌نامم» نشان داد که بیان این جملات خود به منزله انجام یک عمل است. وی برای تبیین شرایط بجایی یک کنش اجرایی، نظریه شرایط بجایی^{۲۴} را مطرح کرد که عبارت‌اند از وجود رویه قراردادی پذیرفته‌شده، تناسب افراد و شرایط با آن رویه، اجرای صحیح و کامل رویه، صداقت و خلوص نیت، و اقدام متعاقب بر اساس تعهدات ایجادشده (همان، ۱۵-۱۴).

گذار آستین به سه‌گانه کنش‌های گفتاری مهم‌ترین دستاورد نظریه اوست. به باور آستین، هر پاره‌گفت سه کنش هم‌زمان را شامل می‌شود کنش گفتاری^{۲۵} (گفتن چیزی با معنای مشخص، شامل عمل آوایی، فصلی و معنایی)، کنش

²² positivism

²³ L. Wittgenstein

²⁴ felicity conditions

²⁵ locutionary act

منظورشناختی^{۲۶} (عملی که در گفتن چیزی انجام می‌دهیم؛ یعنی نیت و هدف گوینده)، و کنش تأثیرشناختی^{۲۷} (تأثیری که سخن بر شنونده می‌گذارد) (همان: ۱۰۲-۹۲). آستین بر این باور بود که افعال اجرایی در واقع همان کنش‌های منظورشناختی هستند.

جان سرل، شاگرد و همکار آستین، نظریه استاد خود را نظام‌مند کرد. سرل (۱۹۶۹) در کتاب «کنش‌های گفتاری: مقاله‌ای در فلسفه زبان»^{۲۸} نخست نشان داد که گزاره‌های خبری نیز نوعی کنش گفتاری (کنش اظهاری) هستند و تمایز آستین میان جملات توصیفی و اجرایی نادرست است (سرل، ۱۹۶۹: ۲۵-۲۲). یکی از اصول بنیادین نظریه سرل، اصل بیان‌پذیری است که بر اساس آن برای هر کنش منظورشناختی می‌توان یک صورت زبانی متناسب یافت (همان: ۲۱-۱۹). سرل همچنین با الهام از شرایط بجایی آستین، چهار شرط محتوای گزاره‌ای^{۲۹} (ویژگی‌های معنایی گزاره)، شرط مقدماتی^{۳۰} (بافتار و پیش‌فرض‌های لازم برای مشروعیت کنش)، شرط صداقت^{۳۱} (حالت روانی و رویه درونی متکلم)، و شرط اساسی^{۳۲} (هدف و جهت‌گیری بنیادین کنش) (همان: ۷۱-۵۴) را مطرح کرد.

سرل (۱۹۷۵ و ۱۹۷۹) طبقه‌بندی پنج‌گانه‌ای از کنش‌های گفتاری ارائه داد که امروزه پرکاربردترین است. این طبقه‌بندی بر اساس سه مؤلفه اصلی استوار است: هدف غیربیانی^{۳۳} (هدف اصلی کنش)، جهت تطابق^{۳۴} (نحوه ارتباط کلمه با جهان)، و شرط صداقت (حالت روانی گوینده). انواع پنج‌گانه به شرح زیر هستند:

کنش‌های اظهاری، گوینده را به صدق گزاره‌ای متعهد می‌کنند؛ جهت تطابق آن‌ها «کلمه به جهان» است و حالت روانی آن‌ها «باور» است (سرل، ۱۹۷۵: ۳۵۵-۳۵۴). گزاره‌های خبری، توصیف‌ها و ادعاها در این دسته قرار می‌گیرند. برای نمونه، آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (بقره: ۶) یک کنش اظهاری است که گوینده (خداوند) با باور کامل، از وضعیت کافران خبر می‌دهد و مخاطب را به صدق این گزاره متعهد می‌سازد.

کنش‌های دستوری، تلاش گوینده برای واداشتن شنونده به انجام کاری‌اند؛ جهت تطابق «جهان به کلمه» است و حالت روانی «خواست/تمایل» (همان: ۳۵۶-۳۵۵). امر، نهی، خواهش و دعوت از مصادیق این کنش‌ها هستند. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره: ۱۵۳) یک کنش دستوری است؛ زیرا جهت تطابق آن «جهان به کلمه» است: مخاطب باید رفتار خود را با این فرمان تطبیق دهد و با صبر و نماز استعانت جوید. حالت روانی گوینده نیز «خواست» او برای تحقق این رفتار در مخاطب است.

کنش‌های تعهدی، گوینده را به انجام عملی در آینده متعهد می‌کنند؛ جهت تطابق «جهان به کلمه» است اما خود گوینده مسئول تطبیق است و حالت روانی «قصد» (همان: ۳۵۷-۳۵۶). وعده، تهدید، سوگند و پیمان در این قلمرو معنا می‌یابند. برای نمونه آیه «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ» (بقره: ۱۸۶) یک کنش تعهدی است؛ زیرا خداوند با بیان

²⁶ illocutionary act

²⁷ perlocutionary act

²⁸ *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*

²⁹ propositional content condition

³⁰ preparatory condition

³¹ sincerity condition

³² essential condition

³³ the illocutionary point

³⁴ the direction of fit

این جمله، خود را به نزدیکی و پاسخ‌گویی به بندگان متعهد می‌سازد. جهت تطابق «جهان به کلمه» است، اما این گوینده (خداوند) است که مسئولیت تحقق این وعده را بر عهده دارد.

کنش‌های عاطفی، حالت روانی گوینده را درباره وضعیت مشخص بیان می‌کنند و جهت تطابق ندارند (همان: ۳۵۷-۳۵۶). سپاس‌گزاری، تبریک، تسلیت، مدح، ذم و سرزنش در این لایه جای دارند. آیه «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره: ۱۹۵) یک کنش عاطفی مثبت است که محبت الهی را نسبت به نیکوکاران ابراز می‌کند و کنش تأثیرشناختی آن، تشویق مخاطبان به نیکوکاری است.

کنش‌های اعلامی، صرفاً با بیان خود تغییری در جهان ایجاد می‌کنند؛ جهت تطابق دوطرفه است و شرط صداقت سنتی در آن‌ها جاری نیست (همان: ۳۵۸-۳۵۹). عزل و نصب، اعلام جنگ و احکام تکوینی از نمونه‌های آن هستند. برای نمونه، آیه «حَتَّمُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً» (بقره: ۷) یک کنش اعلامی ناب است. در این آیه، گوینده (خداوند) نه خبری از پیش‌فرض جهان بیرون می‌دهد و نه فرمانی صادر می‌کند، بلکه با بیان خود، واقعیت محرومیت کافران از هدایت را ایجاد و تثبیت می‌کند.

یکی از مهم‌ترین مفاهیم در نظریه سرل، تمایز میان کنش‌های گفتاری مستقیم^{۳۵} و غیرمستقیم^{۳۶} است. در کنش مستقیم، رابطه یک‌به‌یک میان صورت زبانی و کارکرد ارتباطی وجود دارد؛ اما در کنش غیرمستقیم، یک صورت زبانی برای انجام کنشی غیر از کنش مستقیم خود به کار می‌رود (سرل، ۱۹۷۵: ۳۵۷-۳۵۶). برای نمونه، پرسش «آیا می‌توانی در را ببندی؟» در بافت مناسب، یک کنش دستوری غیرمستقیم برای درخواست بستن در است. از کنش‌های غیرمستقیم به جهت ادب، ملاحظات فرهنگی و اجتماعی، یا تأثیرگذاری عمیق‌تر استفاده می‌شود (لیچ^{۳۷}، ۱۹۸۳: ۱۰۴-۱۰۸). در قرآن، تمثیل‌ها (مانند تمثیل منافقان به آتش افروز) نمونه بارز کنش غیرمستقیم هستند که هدفی فراتر از معنای ظاهری خود را دنبال می‌کنند.

نظریه کنش گفتاری با وجود تأثیر عمیق خود، با نقدهایی نیز مواجه شده است. دریدا^{۳۸} (۱۹۷۷) بر ماهیت تکرارشونده نشانه‌ها و امکان جدایی آن‌ها از قصد گوینده تأکید کرد. بوردیو^{۳۹} (۱۹۹۱) از منظر جامعه‌شناختی نشان داد که قدرت کنش‌های گفتاری ناشی از قدرت اجتماعی و نهادی گوینده است. برخی زبان‌شناسان مانند ورشورن^{۴۰} (۱۹۹۹) بر ضرورت توجه بیشتر به بافت و ابعاد شناختی، اجتماعی و فرهنگی تأکید کرده‌اند. با وجود این نقدها، نظریه کنش گفتاری در دو دهه اخیر به طور فزاینده‌ای در مطالعات قرآنی به کار گرفته شده است. مهم‌ترین زمینه‌های کاربرست آن عبارت‌اند از: تحلیل آیات الاحکام، تحلیل قصص قرآنی، تحلیل خطاب‌های قرآنی به گروه‌های مختلف (بدر و همکاران، ۲۰۱۹؛ عباسی و همکاران، ۲۰۲۴)، مطالعات ترجمه (مروانی، ۲۰۲۰) و تفسیر قرآن.

۲.۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. چارچوب نظری اصلی تحقیق بر نظریه

³⁵ Direct Speech Acts

³⁶ Indirect Speech Acts

³⁷ G. Leech

³⁸ J. Derrida

³⁹ P. Bourdieu

⁴⁰ J. Verschueren

کنش گفتاری جان سرل (۱۹۶۹، ۱۹۷۵ و ۱۹۷۹) استوار است و از مفاهیم مکملی همچون تمایز میان کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم (سرل، ۱۹۷۵) و نیز مفهوم کنش تأثیرشناختی آستین (۱۹۷۵) بهره می‌گیرد. پیکره این پژوهش، کل قرآن کریم بوده و نمونه مورد مطالعه، سوره مبارکه بقره با ۲۸۶ آیه است. انتخاب این سوره به دلیل گستردگی موضوعات، تنوع مخاطبان و حضور هم‌زمان چهار گروه اصلی مؤمنان، کافران، منافقان و بنی‌اسرائیل صورت گرفته است؛ ویژگی‌ای که امکان تحلیل تطبیقی راهبردهای ارتباطی قرآن را فراهم می‌آورد. داده‌های پژوهش از متن قرآن کریم (رسم الخط عثمان طه) و سه منبع تفسیری معتبر گردآوری شده است: تفسیر کشاف زمخشری (۱۹۹۵) به عنوان منبع اصلی بلاغی-کاربردشناختی، تفسیر التحریر و التنویر ابن عاشور (۲۰۰۰) برای تعیین دقیق‌تر نیروی منظورشناختی آیات، و تفسیر المیزان علامه طباطبایی (۱۹۹۵) به عنوان منبع مکمل برای تأیید یافته‌ها. این تفاسیر به منظور تبیین بافت نزول، تعیین مخاطبان آیات و شناسایی دلالت‌های ضمنی و غیرمستقیم کنش‌های گفتاری مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

تحلیل داده‌ها بر اساس روش تحلیل محتوای جهت‌دار (هسیه^{۴۱} و شانون^{۴۲}، ۲۰۰۵) انجام شده است. در این راستا، نخست آیات مرتبط با هر یک از چهار گروه مخاطب بر اساس خطاب صریح (مانند «یا ایها الذین آمنوا»، «یا بنی اسرائیل») یا قرائن بافتی و تفاسیر معتبر شناسایی و طبقه‌بندی شدند. سپس، صورت زبانی هر آیه از نظر فعل یا ساختار زبانی اصلی (مانند امر، نهی، خبر، پرسش، تمثیل و شرط) مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله بعد، هر آیه بر مبنای طبقه‌بندی پنج‌گانه سرل و با تکیه بر سه مؤلفه اصلی هدف غیربیانی، جهت تطابق و شرط صداقت، کدگذاری و نوع کنش گفتاری غالب آن تعیین گردید. نکته حائز اهمیت آن است که در صورت وجود لایه‌های معنایی چندگانه در یک آیه، لایه اصلی و غالب مبنای تحلیل قرار گرفته است. سپس، مستقیم یا غیرمستقیم بودن کنش‌های گفتاری بر اساس معیار مطابقت یا عدم مطابقت یک‌به‌یک میان صورت زبانی و کارکرد ارتباطی تشخیص داده شد. برای تأیید یا تکمیل این تشخیص‌ها، به تفاسیر کشاف و التحریر و التنویر مراجعه گردید و از آراء و دلالت‌های بلاغی-کاربردشناختی مفسران بهره گرفته شد. همچنین، با بهره‌گیری از شواهد تفسیری و تاریخی، آثار احتمالی آیات بر مخاطبان (کنش تأثیرشناختی) مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت، الگوهای به‌دست‌آمده به صورت تطبیقی تحلیل شدند تا تفاوت‌ها و شباهت‌های راهبردهای ارتباطی قرآن در مواجهه با گروه‌های مختلف مخاطبان آشکار گردد؛ بدین معنا که مشخص شود آیا نوع کنش‌های غالب و نسبت کنش‌های مستقیم و غیرمستقیم در خطاب به مؤمنان، کافران، منافقان و بنی‌اسرائیل متفاوت است یا خیر.

۴. یافته‌ها و بحث و بررسی

یافته‌های حاصل از تحلیل کمی و کیفی ۲۸۶ آیه سوره بقره بر اساس نظریه کنش گفتاری جان سرل (۱۹۶۹، ۱۹۷۵، ۱۹۷۹) و با تکیه بر تفاسیر برجسته کشاف زمخشری و التحریر و التنویر ابن عاشور، تصویری نظام‌مند و دقیق از مهندسی ارتباطی قرآن ارائه می‌دهد. برای شفافیت بیشتر، تحلیل کامل کنش‌های گفتاری تمام آیات سوره بقره به صورت آیه به آیه در جدول ۱ ارائه شده است؛ این جدول مرجع جامعی است که مبنای کدگذاری و تحلیل تفصیلی هر آیه را نشان می‌دهد.

⁴¹ H. F. Hsieh

⁴² S. E. Shannon

بررسی کمی کل سوره نشان می‌دهد که کنش اظهاری با ۱۱۰ آیه (۳۸.۵٪) بیشترین فراوانی را دارد و نقش اصلی در توصیف واقعیت‌ها، افشای ماهیت گروه‌ها و ترسیم هویت ایمانی ایفا می‌کند. کنش دستوری با ۸۵ آیه (۲۹.۷٪) در جایگاه دوم قرار دارد و بار اصلی دعوت به عمل و تکالیف شرعی را بر دوش می‌کشد. کنش اعلامی با ۴۰ آیه (۱۴.۰٪) سومین کنش پربسامد است و عمدتاً در مواجهه با کافران و اعلام سرنوشت نهایی آنان به کار رفته است. کنش تعهدی با ۲۵ آیه (۸.۷٪) و کنش عاطفی با ۲۰ آیه (۷.۰٪) به ترتیب برای وعده‌های الهی و یادآوری نعمت‌ها یا سرزنش به کار رفته‌اند. شش آیه (۲.۱٪) نیز به صورت ترکیبی از چند کنش غالب همزمان هستند که مهم‌ترین آنها آیات ۴۰-۴۳ (ترکیب عاطفی، دستوری و تعهدی) و آیه ۱۵۳ (ترکیب دستوری و تعهدی) می‌باشند. نسبت کلی کنش‌های مستقیم به غیرمستقیم در کل سوره ۷۰٪ در برابر ۳۰٪ است. اما آنچه این آمارها را معنادار می‌کند، نحوه توزیع متفاوت این کنش‌ها در میان چهار گروه مخاطب است: مؤمنان ۸۶٪ مستقیم، کافران ۹۳٪ مستقیم، منافقان ۷۵٪ غیرمستقیم، و بنی‌اسرائیل ۶۵٪ مستقیم در برابر ۳۵٪ غیرمستقیم. این ارقام نشان می‌دهد که قرآن نه تنها محتوای متفاوت، بلکه «قالب کنشی متفاوتی» (نسبت مستقیم/غیرمستقیم) را متناسب با جهان‌بینی و وضعیت روحی-معرفتی هر گروه به کار می‌گیرد.

جدول ۱. توزیع کنش‌های گفتاری در سوره بقره

نوع کنش گفتاری	شماره آیات	تعداد آیات	درصد	ویژگی اصلی در سوره بقره
اظهاری	۱-۵، ۱۰-۸، ۱۱-۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۲۰، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۳-۳۰، ۴۴، ۴۹-۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۷۱، ۷۶-۷۵، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۴-۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۹۳-۹۱، ۹۶، ۹۷-۱۰۰، ۱۰۱-۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷-۱۰۵، ۱۱۱-۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۷-۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۳-۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۱-۱۳۸، ۱۴۵-۱۴۲، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۷-۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۹، ۲۰۶-۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۱۹-۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۷-۲۲۶، ۲۴۲-۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۶-۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸-۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۶-۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۳-۲۷۰، ۲۷۶-۲۷۵، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵	۱۱۰	۳۸.۵٪	توصیف و افشا (بنی‌اسرائیل، منافقان، صفات مؤمنان)
دستوری	۲۲-۲۱، ۳۵، ۴۶-۴۵، ۶۰، ۶۳، ۶۷، ۷۰-۶۸، ۷۳-۷۲، ۹۵-۹۴، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۳۵-۱۳۷، ۱۴۸-۱۵۰، ۱۵۲، ۱۶۸-۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۸، ۱۸۲-۱۸۰، ۱۸۵-۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۴-۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۸-۱۹۶، ۱۹۹-۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۸-۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵-۲۳۴، ۲۳۷-۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۵۴، ۲۶۰، ۲۶۷، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳	۸۵	۲۹.۷٪	امر، نهی، دعوت به فعل (مؤمنان، بنی‌اسرائیل، همه مردم)
اعلامی	۷-۶، ۱۵، ۳۴، ۳۶، ۳۹، ۴۸، ۶۶-۶۵، ۷۴، ۷۹، ۸۲-۸۱، ۸۸، ۸۹، ۱۱۴، ۱۶۲-۱۵۹، ۱۷۴	۴۰	۱۴.۰٪	انذار، لعن، اعلام سرنوشت (کافران، منافقان، بنی‌اسرائیل)
تعهدی	۲۵، ۳۷، ۳۸، ۱۵۷-۱۵۵، ۱۸۶، ۲۱۸، ۲۴۵، ۲۶۲-۲۶۱، ۲۶۹، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۸۶	۲۵	۸.۷٪	وعده بهشت، رحمت، همراهی (مؤمنان)
عاطفی	۴۷، ۹۰، ۱۲۳-۱۲۲	۲۰	۷.۰٪	یادآوری نعمت، مدح، ذم، سرزنش (بنی‌اسرائیل)

ترکیبی	۲۴-۲۳، ۴۳-۴۰، ۱۲۵-۱۲۹، ۱۵۳، ۲۷۹-۲۷۸	۶	۲۰٪	آیاتی که بیش از یک کنش غالب همزمان دارند (دستوری+اعلامی، عاطفی+دستوری+تعهدی، دستوری+تعهدی)
مجموع	۱ تا ۲۸۶	۲۸۶	۱۰۰٪	

۴. ۱. مؤمنان

خطاب به مؤمنان با ۴۲ آیه (حدود ۱۵٪ از کل سوره) و نسبت ۸۶٪ کنش مستقیم (۳۶ آیه) در برابر ۱۴٪ غیرمستقیم (۶ آیه)، نشان‌دهنده راهبرد «صراحت همراه با اطمینان‌بخشی» است. از میان ۴۲ آیه، ۲۱ آیه کنش اظهاری (توصیف هویت ایمانی و ویژگی‌های متقین)، ۱۰ آیه کنش دستوری (تکالیف شرعی مانند نماز، روزه، جهاد، انفاق)، ۵ آیه کنش تعهدی (وعده‌های الهی مانند همراهی با صابران و بشارت بهشت)، ۴ آیه کنش عاطفی (مدح مؤمنان و ابراز محبت الهی)، و ۲ آیه ترکیبی از دستوری و تعهدی هستند. این توزیع بازتابی از موقعیت وجودی مؤمنان است؛ آنان که پذیرای پیام هستند و نیاز به تحکیم پایه‌های ایمان و آرامش روانی در برابر سختی‌های جامعه نوپای مدنی دارند. آیات آغازین سوره (۱-۵) با ۴ آیه کنش اظهاری، الگویی تمام‌عیار از راهبرد هویت‌بخشی را به نمایش می‌گذارند. زمخشری در کشاف (ج: ۱، ۸۹) این آیات را زمینه‌چینی برای تمایز سه گروه مؤمنان، کافران و منافقان می‌داند. ابن عاشور (ج: ۱، ۲۳۰) با نگاهی دقیق‌تر، کارکرد این آیات را فراتر از توصیف صرف می‌داند و آن را مدح و تشویق برای آراسته شدن دیگران به این صفات تفسیر می‌کند. از منظر نظریه کنش گفتاری، آنچه در اینجا رخ می‌دهد، یک کنش اظهاری با کارکرد ترغیبی غیرمستقیم است. تعبیر «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» با استفاده از ادوات حصر، بالاترین درجه اطمینان‌بخشی روانی را ایجاد می‌کند و یک کنش تعهدی غیرمستقیم است که خداوند با اعلام فلاح مؤمنان، به طور ضمنی متعهد می‌شود آنان را به این رستگاری برساند. در ادامه، آیه ۱۵۳ نمونه‌ای برجسته از ترکیب کنش دستوری و تعهدی در یک ساختار زبانی واحد است. از منظر سرل، کنش دستوری «اَسْتَعِينُوا» جهت تطابق «جهان به کلمه» دارد، بدین معنا که مؤمن باید رفتار خود را با صبر و نماز تطبیق دهد. اما بلافاصله، کنش تعهدی «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» با جهت تطابق معکوس (جهان به کلمه، اما بار تغییر بر دوش گوینده) این فرمان را همراه با ضمانت اجرایی روانی می‌کند. زمخشری (ج: ۱، ۲۴۵) در تفسیر این آیه می‌گوید این وعده الهی، اطمینان‌بخشی است که انگیزه مؤمنان را برای استقامت دوچندان می‌کند. ساختار «دستور توأم با وعده» یک راهبرد ارتباطی هوشمندانه است که کنش تأثیرشناختی عمیقی ایجاد می‌کند: کاهش اضطراب وجودی و افزایش تاب‌آوری در برابر سختی‌ها. آیه ۱۷۷ نیز با ساختار نفی و اثبات «لَيْسَ الْبِرُّ... وَلَكِنَّ الْبِرُّ...» یک کنش اظهاری با کارکرد اصلاحی و آموزشی است که برداشت نادرست برخی مؤمنان از مفهوم «برّ» را تصحیح می‌کند. ۶ آیه غیرمستقیم در خطاب به مؤمنان از جنس تمثیل‌های آموزشی است (مانند تمثیل پشه در آیه ۲۶ با کنش اظهاری غیرمستقیم، تمثیل باغ در آیه ۲۶۶، و تمثیل انفاق در آیات ۲۶۱ و ۲۶۴) که هدف آنها تعمیق فهم و ایجاد تأثیر عاطفی بیشتر است، نه افشاگری یا انداز. نسبت بالای کنش مستقیم (۸۶٪) نشان می‌دهد که مؤمنان به دلیل هماهنگی

جهان‌بینی با پیام وحی، شایسته زبان بی‌پیرایه و بدون ابهام هستند؛ شرط مقدماتی ارتباط (پذیرش حداقلی از صدق گوینده) در آنان فراهم است، از این رو نیازی به تمثیل‌های پیچیده یا کنش‌های غیرمستقیم ندارند.

۲.۴. کافران

خطاب به کافران با ۲۸ آیه (حدود ۱۰٪ از کل سوره) و بالاترین نسبت کنش مستقیم در میان چهار گروه (۹۳٪ معادل ۲۶ آیه مستقیم در برابر ۷٪ معادل ۲ آیه غیرمستقیم)، نشان‌دهنده راهبرد «انذار قاطع و اتمام حجت» است. از میان ۲۸ آیه، ۱۸ آیه کنش اعلامی (از جمله آیات ۶-۷، ۳۹، ۸۸، ۸۹، ۱۱۴، ۱۵۹-۱۶۲، ۱۷۴-۱۷۶)، ۸ آیه کنش اظهاری (توصیف وضعیت کافران و سرنوشت آنان)، و ۲ آیه کنش عاطفی (سرزنش و ذم) ثبت شده است. کنش اعلامی با ۱۸ آیه، قوی‌ترین و پربسامدترین کنش در خطاب به کافران است. بر اساس طبقه‌بندی سرل، کنش اعلامی قوی‌ترین نوع کنش گفتاری محسوب می‌شود؛ زیرا با بیان خود واقعی‌تی جدید در جهان ایجاد می‌کند و جهت تطابق دوطرفه دارد. آیات ۶-۷ از منظر نظریه کنش گفتاری، نمونه‌های کنش اعلامی در قرآن به شمار می‌روند. زمخشری (ج ۱: ۸۹) در تفسیر این آیات به نکته ظریفی اشاره می‌کند که همسو با تحلیل کاربردشناختی است: «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» بیانگر نتیجه و عاقبت کفر آنان است، نه یک اقدام قهری و بی‌دلیل از سوی خداوند. از منظر سرل، پاره‌گفتار «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» یک کنش اعلامی ناب است؛ زیرا هدف غیربیانی آن ایجاد واقعیت محرومیت از هدایت است، جهت تطابق دوطرفه دارد، و شرط صداقت در کنش اعلامی معنا ندارد. آیه ۶ با ساختار «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا...» و تکرار «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ» و تأکید بر بی‌اثری انذار، شدت کنش اندازی را به حداکثر می‌رساند و به عنوان یک اتمام حجت نهایی عمل می‌نماید. در آیه ۳۹، «أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» یک کنش اعلامی اندازی است که سرنوشت نهایی کافران را ترسیم می‌کند. در آیه ۸۸، «بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ» یک کنش اعلامی-عاطفی است که فراتر از گزارش، خود عامل ایجاد طرد از رحمت می‌شود؛ ادات «بَلْ» نقش ابطال ادعای پیشین کافران («قُلُوبُنَا غُلْفٌ») را ایفا می‌کند. در آیه ۸۹، ساختار زمانی «وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ... فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» تناقض رفتاری بنی اسرائیل را افشا می‌کند و سپس «فَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ» به عنوان کنش اعلامی نهایی صادر می‌شود. ۲ آیه غیرمستقیم در خطاب به کافران (آیه ۱۷۱: «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً» و آیه ۲۶۴: تمثیل صفوان) از جنس تمثیل برای تصویرسازی سرنوشت آنان است و نسبت ناچیز ۷٪ را تشکیل می‌دهد. نسبت ۹۳٪ کنش مستقیم نشان می‌دهد که کافران آگاهانه حق را پوشانده‌اند و شرط مقدماتی گفتگو در آنان وجود ندارد. در چنین وضعیتی، متکلم الهی از کنش دستوری (که مستلزم پذیرش و اطاعت از سوی مخاطب است) عبور کرده و مستقیماً به سراغ کنش اعلامی می‌رود که نیازی به مشارکت مخاطب ندارد و صرفاً از قدرت مطلق گوینده ناشی می‌شود.

۳.۴. منافقان

خطاب به منافقان با ۲۰ آیه متمرکز در آیات ۸-۲۰ سوره بقره و پایین‌ترین نسبت کنش مستقیم (۲۵٪ معادل ۵ آیه مستقیم) و بالاترین نسبت کنش غیرمستقیم (۷۵٪ معادل ۱۵ آیه غیرمستقیم) در میان چهار گروه، از نظر کاربردشناختی بسیار حائز اهمیت است. این آمار نشان می‌دهد که قرآن در مواجهه با پیچیده‌ترین جریان اجتماعی مدینه، از «زبان غیرمستقیم» و «تمثیل» به عنوان راهبرد اصلی بهره می‌گیرد. از میان ۲۰ آیه، ۱۲ آیه کنش اظهاری (که ۹ آیه از آنها به صورت غیرمستقیم از طریق تمثیل اجرا شده است)، ۳ آیه کنش اعلامی (آیات ۱۰، ۱۵ و ۲۰)، ۳ آیه کنش دستوری

غیرمستقیم (آیات ۱۱-۱۲ در قالب پرسش انکاری)، و ۲ آیه کنش عاطفی (آیات ۱۴ و ۱۸) ثبت شده است. نکته قابل تأمل آنکه هرچند راهبرد غالب غیرمستقیم است، اما قرآن در ۵ آیه ابتدایی (۸-۱۰، ۱۱-۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶) از زبان مستقیم برای افشای ماهیت منافقان استفاده می‌کند. آیه ۸ با نقل قول مستقیم از منافقان آغاز می‌شود: «يَقُولُ آمَنَّا». منافقان با این عبارت قصد داشتند یک کنش تعهدی-اظهاری ایمان را اجرا کنند؛ اما شرط صداقت در کلام آنان مفقود بود. قرآن با جمله قاطع «وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ»، شرایط به جایی فریب آنان را ویران کرده و یک کنش اظهاری با کارکرد افشاگری صادر می‌کند. عبارت «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا» یک کنش اعلامی است که واقعیت افزایش بیماری آنان را ایجاد می‌کند. زمخشری (ج ۱: ۹۲) می‌گوید این افزایش بیماری، جزای عمل آنان است و نشان می‌دهد هر گناهی انسان را به گناه دیگری نزدیک می‌کند. سپس ۱۵ آیه غیرمستقیم در قالب تمثیل‌های پیوسته (آیات ۱۷-۲۰) و پرسش‌های انکاری (آیات ۱۱-۱۳) اجرا می‌شوند. تمثیل آتش در آیات ۱۷-۱۸، برجسته‌ترین نمونه کنش گفتاری غیرمستقیم در سوره بقره است. جان سرل (۱۹۷۹: ۱۱۶-۷۶) در مقاله استعاره تبیین می‌کند که زبان استعاری و تمثیلی، عالی‌ترین تجلی کنش‌های گفتاری غیرمستقیم است. گوینده در اینجا با بیان توصیفی فیزیکی (افروختن آتش و سپس خاموشی آن)، در حقیقت نیت منظورشناختی دیگری (افشای وضعیت وجودی منافقان) را تعقیب می‌کند. آتش افروخته شده نماد ایمان ظاهری و بهره‌مندی موقت منافقان از مزایای مادی جامعه اسلامی است؛ «ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ» یک کنش اعلامی خلع سلاح معرفتی آنان است؛ پاره‌گفتار «صُمُّ بُكْمٌ عُمًى» از حیث منظورشناختی، یک کنش عاطفی تند در مقام تحقیر و رسواسازی است که کنش تأثیرشناختی آن، زدودن هیمنه اجتماعی منافقان در چشم مؤمنان است. تمثیل باران در آیه ۱۹ تصویری از ترس و درماندگی منافقان در برابر حقایق ارائه می‌دهد. «صَيِّبٌ» (باران تند) نماد قرآن و تکالیف قاطع الهی است؛ «يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ» یک کنش تصویری برای تمسخر و عیان کردن ضعف روان‌شناختی آنان است؛ «وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ» یک کنش تعهدی-اعلامی است که امنیت کاذب نفاق را متلاشی می‌سازد. ابن عاشور (ج ۱: ۳۲۵-۳۲۶) متذکر می‌شود که کاربرد تمثیل برای منافقان از آن روست که آنان مردمانی دوپهلوی و پیچیده هستند و زبان مستقیم برای بیان وضعیت آنان کافی نیست. یافته جدید پژوهش: کاربرد تمثیل برای منافقان صرفاً یک انتخاب سبکی یا تزیین بلاغی نیست، بلکه یک ضرورت کاربردشناختی است. از آنجا که منافقان با انکار زبانی و اقرار عملی مشخص می‌شوند، زبان مستقیم نمی‌تواند تناقض درونی آنان را بازنمایی کند. تمثیل، با خلق موقعیتی فرضی، این تناقض را به شکلی نمایشی و تأثیرگذار منتقل می‌سازد. همچنین منافق نمی‌تواند به راحتی علیه متن موضع‌گیری کند، زیرا خود را در حصار استعاره‌های افشاگرانه محبوس می‌بیند. نسبت ۲۵٪ مستقیم و ۷۵٪ غیرمستقیم نشان می‌دهد که قرآن ابتدا با زبان مستقیم هویت منافقان را افشا می‌کند (۵ آیه اول)، اما برای توصیف عمیق وضعیت وجودی آنان و افشای لایه‌های پنهان نفاق، به ناچار به سراغ زبان تمثیلی و غیرمستقیم می‌رود.

۴.۴. بنی اسرائیل

خطاب به بنی اسرائیل با ۸۴ آیه (حدود ۲۹٪ از کل سوره و بیشترین حجم خطاب به یک گروه خاص) و نسبت ۶۵٪ مستقیم (۵۵ آیه) در برابر ۳۵٪ غیرمستقیم (۲۹ آیه)، متعادل‌ترین گروه از نظر توزیع کنش‌هاست. از میان ۸۴ آیه، ۴۲ آیه کنش اظهاری (توصیف نعمت‌های تاریخی، سرزنش انحرافات، افشای تحریف)، ۲۲ آیه کنش دستوری (اوامر و

نواهی)، ۸ آیه کنش عاطفی (یادآوری نعمت‌ها، مدح و ذم)، ۶ آیه کنش اعلامی (لعن، اعلام عذاب، مسخ)، ۴ آیه کنش تعهدی (وعده‌های الهی)، و ۲ آیه ترکیبی (آیات ۴۰-۴۳ و ۱۲۲-۱۲۳) ثبت شده است. راهبرد غالب «ترکیبی از یادآوری نعمت‌ها (عاطفی)، دعوت به اطاعت (دستوری) و سرزنش انحرافات (اعلامی)» است. این تعادل بازتابی از وضعیت خاص بنی اسرائیل است: آنان نه مانند کافران فاقد کتاب بودند و نه مانند منافقان هویت خود را پنهان می‌کردند، بلکه قومی با «حافظه تاریخی مشترک و اشتراک در اصول توحیدی» بودند، اما دچار تحریف و انحراف عملی شده بودند. آیات ۴۰-۴۳ عالی‌ترین تجلی «کنش‌های گفتاری ترکیبی» در سوره بقره هستند. زمخشری (ج ۱: ۱۸۷) اشاره می‌کند که بنی اسرائیل به دلیل نعمت‌های فراوان، بیش از دیگران مستحق تذکر و یادآوری هستند. تحلیل لایه‌های کنشی: لایه اول کنش عاطفی مثبت «ادْکُرُوا نِعْمَتِي» است که شرط مقدماتی ارتباط را فعال می‌سازد. لایه دوم کنش دستوری «وَأَوْفُوا بِعَهْدِي»، «وَأَمِنُوا»، «وَلَا تَلْبِسُوا» با جهت تطابق «جهان به کلمه» است. لایه سوم کنش تعهدی الهی «أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ» است که در میانه دستورها قرار گرفته و وعده پاداش می‌دهد. تکرار «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ادْکُرُوا نِعْمَتِي» در آیات ۴۰، ۴۷ و ۱۲۲ نشان‌دهنده راهبرد تأکید و یادآوری مداوم است. داستان گاو (آیات ۶۷-۷۳) یکی از غنی‌ترین بخش‌ها از نظر کنش‌های غیرمستقیم است. فرمان موسی یک کنش دستوری غیرمستقیم (ابلاغ رسالت) است. پاسخ بنی اسرائیل «اتَّخَذْنَا هُرُوءًا» یک کنش عاطفی منفی (تمسخر و اعتراض) است. پرسش‌های پی‌درپی آنان «ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا» در ظاهر درخواست اطلاعات هستند، اما از منظر کاربردشناختی، کنش‌های غیرمستقیم با کارکرد کارشکنی، تعلل و بهانه‌جویی را انجام می‌دهند. ابن عاشور (ج ۱: ۵۶۷) به این نکته اشاره می‌کند که «وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ» بیانگر نهایت بی‌میلی در اطاعت است. آیه ۷۴ با «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ...» یک کنش اعلامی-اظهاری با کارکرد تقبیح و سرزنش شدید است. مقایسه دل‌های آنان با سنگ «كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً» استعاره‌ای است که نیروی منظورشناختی سرزنش را به اوج می‌رساند. آیه ۸۹ با ساختار زمانی «وَكَاثِبُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ... فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» تناقض رفتاری آنان را افشا می‌کند و «فَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ» را به عنوان کنش اعلامی صادر می‌نماید. آیه ۹۰ با صیغه ذم «بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ» صریح‌ترین صورت زبانی برای کنش عاطفی منفی (سرزنش و مذمت شدید) است. شرط صداقت در این کنش، کراهت و غضب الهی از رفتار بنی اسرائیل است. واژه «بَغِيًا» ریشه روان‌شناختی عدم ایمان آنان را که ناشی از انحصارطلبی نژادی بود عیان می‌سازد. ۲۹ آیه غیرمستقیم (۳۵٪) عمدتاً در قالب پرسش‌های انکاری و سرزنش‌آمیز (مانند آیه ۴۴: «أَتَأْتِرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»، آیه ۸۵: «أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ» و آیه ۹۱: «قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ») اجرا شده است. نسبت ۶۵٪/۳۵ غیرمستقیم نشان می‌دهد که بنی اسرائیل نیاز به تذکر مستقیم نعمت‌ها و اوامر صریح دارند (به دلیل غفلت تاریخی)، اما در عین حال، پرسش‌های غیرمستقیم سرزنش‌آمیز برای بیدار کردن وجدان آنان و افشای تناقضات رفتاری‌شان به کار رفته است. این راهبرد دوگانه (تذکر مستقیم + پرسش غیرمستقیم) مؤثرترین روش برای مواجهه با گروهی است که هم حافظه دینی قوی دارند و هم دچار انحراف عملی شده‌اند.

تحلیل تفصیلی یافته‌ها، مندرج در جدول ۲ ارائه نشان می‌دهد که الگوی ارتباطی قرآن در سوره بقره از یک نظم کاربردشناختی دقیق پیروی می‌کند؛ مؤمنان با ۸۶٪ کنش مستقیم و غلبه کنش‌های تعهدی، کافران با ۹۳٪ کنش مستقیم و غلبه کنش‌های اعلامی، منافقان با ۷۵٪ کنش غیرمستقیم و غلبه تمثیل، و بنی اسرائیل با نسبت متعادل ۶۵٪/۳۵ مستقیم در برابر ۳۵٪ غیرمستقیم و راهبرد ترکیبی مواجه شده‌اند. این یافته‌ها مبین این نکته‌اند که سوره بقره از یک الگوی ارتباطی سیال و هدفمند پیروی می‌کند که در آن، هر گروه مخاطب بر اساس چهار عامل اصلی مورد توجه قرار

گرفته است: نخست، «جهان بینی و باورهای بنیادین» که تعیین می کند آیا مخاطب با حقیقت همسو است یا در تقابل با آن؛ دوم، «وضعیت روحی-معرفتی» که نشان می دهد مخاطب در چه مرحله ای از پذیرش یا انکار حقیقت قرار دارد؛ سوم، «پیشینه تعامل با وحی و پیامبران» که برای بنی اسرائیل به عنوان قومی با سابقه طولانی بسیار مهم است؛ و چهارم، «نوع تهدیدی که از ناحیه آن گروه متوجه جامعه اسلامی است» که برای منافقان به عنوان تهدیدی درونی و پنهان، نیازمند راهبرد خاص افشاگری غیرمستقیم شده است. مؤمنان به دلیل هماهنگی کامل جهان بینی با پیام وحی و شرط مقدماتی فراهم (پذیرش صدق گوینده)، با بالاترین درجه صراحت (۸۶٪ مستقیم) و تلفیق دستور با وعده (کنش دستوری + تعهدی) مواجه می شوند تا ایمانشان تحکیم و انگیزه شان افزایش یابد. کافران به دلیل انکار آگاهانه حقیقت و فقدان شرط مقدماتی برای گفتگو، با شدیدترین و قاطع ترین زبان (۹۳٪ مستقیم و غلبه کنش اعلامی) مواجه می گردند تا هرگونه عذر و بهانه ای از آنان سلب شود. منافقان به دلیل دوگانگی وجودی و تناقض میان گفتار و رفتار، با بالاترین نسبت کنش غیرمستقیم (۷۵٪) و زبان تمثیلی مواجه می شوند؛ تمثیل در اینجا یک ضرورت کاربردشناختی است، نه یک تزیین بلاغی، زیرا زبان مستقیم قادر به بازنمایی تناقض درونی آنان نیست. بنی اسرائیل به دلیل حافظه تاریخی مشترک و انحراف عملی، با متعادل ترین نسبت (۶۵٪ مستقیم، ۳۵٪ غیرمستقیم) و راهبرد ترکیبی (یادآوری عاطفی + دعوت دستوری + سرزنش اعلامی) مواجه می شوند تا نخست وجدان تاریخی آنان بیدار شود، سپس به اطاعت فراخوانده شوند، و در نهایت انحرافاتشان با پرسش های غیرمستقیم و سرزنش های مستقیم افشا گردد. هدف نهایی همه این راهبردها، علیرغم تفاوت در ابزار و لحن، هدایت مخاطبان به سوی حقیقت و رستگاری است. این الگوی چهارگانه نشان می دهد که قرآن کریم نه تنها محتوای متفاوت، بلکه قالب کنشی متفاوتی را متناسب با وضعیت هر گروه به کار می گیرد و از این حیث، می توان از «نظریه کاربردشناختی وحی» سخن گفت که در آن، انتخاب نوع کنش گفتاری و نسبت مستقیم/غیرمستقیم، تابعی از متغیرهای مخاطب شناختی است.

جدول ۲. راهبردهای ارتباطی چهارگانه قرآن در سوره بقره

گروه مخاطبان	شماره آیات	تعداد آیات	کنش های غالب	کنش های مستقیم (تعداد و درصد)	کنش های غیر مستقیم (تعداد و درصد)	راهبرد اصلی	نمونه کلیدی
مؤمنان	۵-۲، ۲۵، ۴۶-۴۵، ۶۲، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷-۱۵۵، ۱۵۸، ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۵-۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۴-۱۹۰، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۳۲-۲۲۸، ۲۳۳، ۲۳۵-۲۳۴، ۲۳۷-۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۴، ۲۶۰، ۲۶۱-۲۶۲، ۲۶۷، ۲۶۹	۴۲	اظهاری + دستوری + تعهدی	۳۶ (۸۶٪) آیه	۶ (۱۴٪) آیه	ترغیب و اطمینان بخش	آیه ۱۵۳

						۲۷۴، ۲۷۷، ۲۷۹-۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۶	
کافران	۶-۷، ۳۹، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۱۴، ۱۶۲-۱۵۹، ۱۷۱، ۱۷۶-۱۷۴، ۲۱۷، ۲۵۶	۲۸	اعلامی	آیه ۲۶ (۹۳٪)	آیه ۲ (۷٪)	انذار و اتمام حجت	آیات ۶-۷
منافقان	۱۰-۸، ۱۱-۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷-۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۰۴- ۲۰۶	۲۰	اظهاری (تمثیلی)	آیه ۵ (۲۵٪)	آیه ۱۵ (۷۵٪)	افشاگری و هشدار (غیرمستقیم)	آیات ۱۷-۱۸
بنی اسرائیل	۴۳-۴۰، ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۵۹-۴۹، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵-۶۶، ۶۷، ۷۰-۶۸، ۷۱، ۷۲-۷۳، ۷۴، ۷۵-۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱-۸۲، ۸۳-۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۹۱-۹۳، ۹۴-۹۵، ۹۶، ۹۷- ۱۰۰، ۱۰۱-۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵- ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۲-۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲-۱۲۳	۸۴	ترکیبی (عاطفی+دست وری+اعلامی)	آیه ۵۵ (۶۵٪)	آیه ۲۹ (۳۵٪)	یادآوری، سرزنش، دعوت	آیات ۴۰-۴۳

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه کنش گفتاری جان سرل و با تکیه بر تفاسیر برجسته کشف زمخشری و التحرير و التنویر ابن عاشور، به تحلیل نظام‌مند سوره بقره پرداخت تا راهبردهای ارتباطی قرآن را در مواجهه با چهار گروه اصلی مخاطبان یعنی مؤمنان، کافران، منافقان و بنی‌اسرائیل کشف کند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که سوره بقره از شبکه متراکمی از کنش‌های گفتاری پنج‌گانه سرل (اظهاری، دستوری، تعهدی، عاطفی و اعلامی) به صورت مستقیم و غیرمستقیم بهره برده است و راهبرد وحی در این سوره، مهندسی نظام‌مندی است که کاملاً بر ساختار روانی، بافتار جامعه‌شناختی و جهان‌بینی معرفتی هر گروه انطباق دارد.

در پاسخ به سؤال اول، تحلیل کمی و کیفی آیات نشان داد که هر گروه مخاطب از الگوی کنشی متمایزی برخوردار است. مؤمنان با ۴۲ آیه، عمدتاً از کنش‌های اظهاری (توصیف هویت ایمانی)، دستوری (تکالیف شرعی) و تعهدی (وعده‌های الهی) بهره می‌برند. کافران با ۲۸ آیه، عمدتاً با کنش اعلامی (انذار، لعن و اعلام سرنوشت نهایی) مواجه می‌شوند. منافقان با ۲۰ آیه متمرکز در آیات ۸-۲۰، عمدتاً با کنش اظهاری از طریق تمثیل (کنش غیرمستقیم) خطاب می‌گردند. بنی‌اسرائیل با ۸۴ آیه (بیشترین حجم خطاب)، با ترکیبی از کنش‌های عاطفی (یادآوری نعمت‌ها)، دستوری (دعوت به اطاعت) و اعلامی (سرزنش و هشدار) مواجه می‌شوند. این تنوع در توزیع کنش‌ها، نشان‌دهنده دقت نظر قرآن در انتخاب ابزارهای ارتباطی متناسب با ویژگی‌های هر گروه است.

طیف معنادار را تشکیل می‌دهد که از ۹۳٪ مستقیم در کافران تا ۷۵٪ غیرمستقیم در منافقان در نوسان است. مؤمنان با ۸۶٪ مستقیم و ۱۴٪ غیرمستقیم، کافران با ۹۳٪ مستقیم و ۷٪ غیرمستقیم، منافقان با ۲۵٪ مستقیم و ۷۵٪

غیرمستقیم، و بنی اسرائیل با ۶۵٪ مستقیم و ۳۵٪ غیرمستقیم مواجه شده‌اند. دلالت‌های ارتباطی این یافته‌ها بدین شرح است: کافران به دلیل انکار آگاهانه حقیقت و فقدان شرط مقدماتی گفتگو، با قاطع‌ترین و مستقیم‌ترین زبان (غلبه کنش اعلامی) مواجه می‌شوند تا هرگونه عذر و بهانه‌ای از آنان سلب شود. مؤمنان به دلیل هماهنگی جهان‌بینی با پیام وحی، با صراحت بالا (۸۶٪ مستقیم) و تلفیق دستور با وعده مواجه می‌گردند. منافقان به دلیل دوگانگی وجودی و تناقض میان گفتار و رفتار، با بالاترین نسبت کنش غیرمستقیم (۷۵٪) و زبان تمثیلی مواجه می‌شوند؛ تمثیل در اینجا یک ضرورت کاربردشناختی است، نه یک تزیین بلاغی. بنی اسرائیل با نسبتی متعادل از کنش مستقیم و غیرمستقیم مواجه می‌شوند که نشان‌دهنده راهبرد دوگانه تذکر مستقیم همراه با پرسش‌های غیرمستقیم سرزنش‌آمیز است.

در پاسخ به پرسش سوم، یافته‌ها بیانگر آن هستند که راهبرد ارتباطی قرآن در سوره بقره از یک الگوی چهارگانه منسجم پیروی می‌کند: ۱- راهبرد ترغیب و اطمینان‌بخشی برای مؤمنان که با تلفیق کنش دستوری و تعهدی (امر همراه با وعده) ایمان آنان را تحکیم و انگیزه‌شان را افزایش می‌دهد. ۲- راهبرد انذار و اتمام حجت برای کافران که با غلبه کنش اعلامی و صراحت ۹۳٪، هرگونه عذر و بهانه را از آنان سلب می‌کند. ۳- راهبرد افشاگری با زبان غیرمستقیم برای منافقان که با بالاترین نسبت کنش غیرمستقیم (۷۵٪) و کاربرد تمثیل‌های پیچیده، تناقض درونی آنان را افشا می‌سازد و ۴- راهبرد ترکیبی یادآوری، سرزنش و دعوت برای بنی اسرائیل که با نسبت متعادل ۶۵٪ مستقیم و ۳۵٪ غیرمستقیم، نخست وجدان تاریخی آنان را بیدار می‌کند، سپس به اطاعت فرامی‌خواند و در نهایت انحرافاتشان را افشا می‌نماید. هدف نهایی همه این راهبردها، علیرغم تفاوت در ابزار و لحن، هدایت مخاطبان به سوی حقیقت و رستگاری است. این الگو نشان می‌دهد که قرآن نه تنها محتوای متفاوت، بلکه قالب کنشی متفاوتی را متناسب با وضعیت هر گروه به کار می‌گیرد.

در پاسخ به سؤال چهارم، این پژوهش نشان داد که تفاسیر کلاسیک به عنوان کدهای کهن و حلقه واسط میان متن قرآن و فهم مفسران، نقش تعیین‌کننده‌ای در تشخیص دقیق نیروی منظورشناختی آیات ایفا می‌کنند. زمخشری در کشاف با رویکرد بلاغی-کاربردشناختی خود، به نکات ظریفی درباره قاطعیت و قطعیت کنش‌های اعلامی (مانند آیه ۶-۷ «ختم الله علی قلوبهم») اشاره می‌کند که بدون آن، ممکن بود این آیات به عنوان کنش اظهاری صرف تلقی شوند. ابن عاشور در التحرير و التنویر با تبیین کاربرد تمثیل برای منافقان (آیات ۱۷-۱۸) و تأکید بر اینکه «زبان مستقیم برای بیان وضعیت پیچیده آنان کافی نیست»، ما را در تشخیص ضرورت کاربردشناختی کنش‌های غیرمستقیم یاری می‌دهد. همچنین، تفسیر زمخشری از آیات ۴۰-۴۳ درباره بنی اسرائیل که آنان را «بیش از دیگران مستحق تذکر و یادآوری» می‌داند، به تشخیص کنش عاطفی غالب در این آیات کمک می‌کند. بنابراین، تلفیق نظریه کنش گفتاری با تفاسیر کلاسیک، روشی کارآمد برای تعیین دقیق نیروی منظورشناختی آیات و کشف لایه‌های پنهان معنایی قرآن است.

پژوهش حاضر نشان داد که نظریه کنش گفتاری، در صورت تلفیق با منابع تفسیری معتبر، ابزاری کارآمد برای تحلیل الگوهای ارتباطی و اقناعی قرآن کریم فراهم می‌آورد. الگوی چهارگانه راهبردهای ارتباطی استخراج‌شده در این پژوهش، مدلی نظری برای تحلیل سایر سوره‌های قرآن ارائه می‌دهد و می‌تواند برای مفسران، مترجمان قرآن و پژوهشگران حوزه ارتباطات و زبان‌شناسی سودمند باشد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، راهبردهای ارتباطی سایر سوره‌های مدنی و مکی با همین رویکرد مقایسه و تحلیل شود تا تصویر کامل‌تری از مهندسی ارتباطی قرآن به دست آید. همچنین، کاربرست این الگو در مطالعات ترجمه قرآن می‌تواند به مترجمان در انتقال دقیق‌تر نیروی منظورشناختی آیات یاری

رساند.

۶. منابع

- قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد الطاهر. (۲۰۰۰). تفسیر التحرير و التنویر. الدار التونسية للنشر.
۲. عقدایی، فاطمه و خاکپور، حسین. (۱۳۹۷). تحلیل متن شناختی سوره لقمان براساس نظریه کنش گفتار سرل. مطالعات ادبی متون اسلامی، ۳(۱۰)، ۳۵-۹.
۳. عباسی، مهدی، واعظی، هنگامه و یوسفی، فرحناز. (۲۰۲۴). بررسی کاربردشناسی کنش‌های گفتاری در قرآن با تاکید بر الگوی چرخه هیجانات پلاچیک: مطالعه موردی: جزء ۲۶ الی ۲۸. مطالعات بین رشته‌ای قرآن کریم، ۳(۲).
۴. زمخشری، محمود. (۱۹۹۵). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. دار الکتاب العربی.
۵. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (سید محمد باقر موسوی همدانی، مترجم). دفتر انتشارات اسلامی.
۶. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ناصر خسرو.
7. Ahmad, A. (2016). Methodology of hadith comprehension: Interpretation techniques in Fiqh Al-Hadith. *Journal Hadhari: An International Journal*, 8(1), 145-168.
8. Austin, J. L. (1975). *How to do things with words* (2nd ed.). Oxford University Press. (Original work published 1962)
9. Badr, H. H., al-Saidi, A. A. H. S. K., and Finjan, S. S. (2019). A pragmatic analysis of speech acts in short surahs of the Holy Quran. *Journal of Arts, Literature, Humanities and Social Sciences*, 36, 194-209.
10. Bourdieu, P. (1991). *Language and symbolic power* (G. Raymond and M. Adamson, Trans.). Harvard University Press.
11. Derrida, J. (1977). *Signature event context*. *Glyph*, 1, 172-197.
12. Esposito, J. L. (1998). *Islam: The straight path* (3rd ed.). Oxford University Press.
13. Gitay, Y. (1983). Reflections on the study of the prophetic discourse: The question of Isaiah I 2-20. *Vetus Testamentum*, 33(2), 207-221.
14. Houston, W. (1993). What did the prophets think they were doing? Speech acts and prophetic discourse in the Old Testament. *Biblical Interpretation*, 1(2), 167-188.
15. Hsieh, H. F., and Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9), 1277-1288.
16. Kasmani, M. F., Yusoff, S. H., and Kanaker, O. (2019). Muḥammad's conversations with the Bedouin: A speech-act analysis of prophetic discourse in Hadith. *Al-Bayān – Journal of Qur'ān and Ḥadīth Studies*, 17(1), 1-23.
17. Khazaleh, A., Sappar, A. A., Mohd Jan, J., Hussin, M., and Alaqad, M. (2025). Assurance expressions in the Qur'an: A speech act analysis. *Theory and Practice in Language Studies*, 15(2), 523-532.
18. Leech, G. N. (1983). *Principles of pragmatics*. Longman.

19. Merouani, N. (2020). La traduction de l'acte de langage dans le discours coranique selon la théorie des actes de langage: Étude analytique et comparative de trois traductions du Coran (Sourate «La Vache»). *Traduction et Langues*, 19(1), 241-254.
20. Muhammadkhan, M. (2024). *Directive speech acts found on English translation of Quran surah al Baqarah by Muhammad Mufti Taqi Usmani* [Undergraduate thesis]. UIN Sunan Ampel Surabaya.
21. Searle, J. R. (1969). *Speech acts: An essay in the philosophy of language*. Cambridge University Press.
22. Searle, J. R. (1975). A taxonomy of illocutionary acts. In K. Gunderson (Ed.), *Language, mind, and knowledge* (pp. 344-369). University of Minnesota Press.
23. Searle, J. R. (1979). *Expression and meaning: Studies in the theory of speech acts*. Cambridge University Press.
24. Tobbi, S. (2023). A pragmatic study of directives' forms and functions in Surat Al-Baqarah: Focus on commands, prayers, and permissions. *Al-Āthār*, 23(1), 871-886.
25. Verschueren, J. (1999). *Understanding pragmatics*. Arnold.
26. Wittgenstein, L. (1922). *Tractatus logico-philosophicus*. Routledge and Kegan Paul.
27. Wittgenstein, L. (1953). *Philosophical investigations*. Blackwell.
28. Yule, G. (1996). *Pragmatics*. Oxford University Press.